

ترین های حال خوب کن

ایام بین العید است و عده ای هم مثل ما عزلت گزینی پیشه کرده اند و پول مسافرت و حال فامیل را ندارند. اگر کاسه چه کنمتان لبریز از بی حوصلگی شد این چهار راه را بهتان پیشنهاد می کنم:

سفری با آقای ژول ورن

سفر، پدیده ای است که با شنیدن کلمه عید یا هر تعطیلی دیگر سراغش می رویم. همیشه هم حال آدم را خوب می کند، هرچقدر هم کوتاه باشد. حالا فکر کنید ژول ورن می خواهد ما را به یک سفر ۸۰ روزه ببرد. آن هم سفری دور دنیا. برای این سفر لازم نیست چمدان ببندیم. تنها توشه می تواند یک فنجان قهوه یا چای باشد، باقی هزینه ها حتی ایاب و ذهاب بر عهده ژول ورن و باقی همسفران است. ماموریت ما این است که یک دور زمین را بچرخیم و باز به همین نقطه ای که هستیم برگردیم. البته یک پلیس هم مامور شده تا ما را دستگیر کند و هر کجایی که می رویم پشت سرمان است. حتی وقتی به هند می رویم یا هنگامی که از دست سرخپوستان فرار می کنیم او همچنان به دنبال ماست. میانه های مسیر قطار هم سوار می شویم. اینجا باید فنجان را که با خودمان آورده ایم سفت بچسبیم تا با تکان های قطار محتوباتش کتاب را کثیف نکند. در روزهای آخر سفر سرعت مان بیشتر می شود چون باید هرچه سریع تر به جایی که سفر را آغاز کردیم برگردیم. چطور برگشت مان هم به عهده آقای ژول ورن؛ او همسفر قابل اعتمادی است.



این طور شعر را نجات می دهیم

دورهمی های ما می تواند جای ترسناکی باشد. مخصوصا وقتی که کتاب حافظ را به شما بدهند و بگویند چند بیتی را می خواهیم مهمان مهندس خانواده باشیم. تازه آوازده نمره ادبیاتش هم همیشه ۲۰ است اما مدرسه همه چیزش فرق می کند، حتی ادبیاتش. وقتی آقای معلم درس می دهد آن قدر درگیر یادداشت کردن عروض، قافیه و آرایه های مختلف می شویم و به جای گوش دادن به شعر، دنبال یک جای خالی برای یادداشت کردن نکات جدید می گردیم که یادمان می رود باید از شنیدن لذت ببریم. شب های امتحان هم مجبور می شویم ساعت ها به این کاغذهای سیاه شده که زمانی غزل یا قصیده روی آن نوشته شده بود اما حالا لشکر فلش ها و نکات کنکوری احاطه اش کرده اند زل بزنیم تا حال مان از هرچه شعر است، به هم بخورد. معلم هم که هنوز به تنفر ما از شعر ایمان نیاورده است، برگه ها را طوری تصحیح می کند که هیچ کس حتی ته دلش از شعر خوشش نیاید اما اگر از همه این خوان ها گذشتید و باز هم دل تان می خواست شعر بخوانید، گنجور راه نجات است. وبسایتی از شعر و غزل لبریز که ساعت ها می شود در آن گم شد. اگر هم خوانش بیتی را نمی دانستیم کسانی از قبل آن را برابریمان خوانده اند و می توانیم به صدایشان گوش دهیم. این طوری دورهمی ها اصلا جای ترسناکی نخواهد شد.



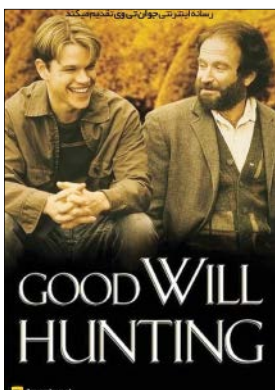
بوی خاک، بوی باران

اگر برای سفر ۸۰ روز وقت ندارید اما می خواهید برای یک روز هم که شده از شر آلودگی های تهران خلاص شوید یا اگر از شهر دیگری هستید و خیال می کنید همیشه آسمان تهران را غباری غلیظ گرفته بهتر است سری به باغ گیاه شناسی تهران بزنید. آنجا انگار تکه ای از ارامسریا شاید سندانج باشد. شاید هم گیاهانی از اروپا و آمریکا آنجا پیدا کردید، اما اگر از گیاهی خوش تان آمدن آن را به حال خودش رها کنید. چون به محض چیده شدن، عمرش به پایان می رسد و گل های اطرافش از این غم پژمرده می شوند. لطفا با زیرانداز و فلاکس چای هم روی چمن ها ننشینید چون باعث می شود مسؤول آن بخش برانگیخته شود و با شیلنگ آب، تمام وسایل شما را آبیاری کند. آنجا، محل تماشاست، پس وقت خود را با جوجه باد زدن هدر ندهید. حتی ممکن است این بوی جوجه، گیاهان را گرسنه کند و از شدت گرسنگی پژمرده شوند. با رعایت همین چند نکته، بازدید از باغ گیاه شناسی باعث می شود تا چند روز حال تان خوب بماند.



ویل هانتینگ نابغه

هرکس یک جواهری در خودش پنهان دارد. درست مثل یک معدن کشف نشده. معدنی که حتی خود انسان خبری از وجودش ندارد. آن وقت است که به کسی احتیاج داریم تا آن را برای ما کشف کند و آن هنگام بهترین و دلپذیرترین لحظه زندگی یک انسان است اما تا پیش از آن ممکن تمام مسیر زندگی مان را اشتباه برویم. درست مثل ویل، کسی که تا پیش از کشف شدن جواهرش روزها را یکی پس از دیگری به بطالت سپری می کرد اما یک آشنایی، آشنایی با پروفسور زندگیش را تغییر داد. این آشنایی لحظه کشف شدن جواهر ویل هانتینگ بود. زمانی که ویل هانتینگ سراپدار به ویل هانتینگ نابغه تغییر نام داد. لحظه ای که تماشا کردنش برای هرکسی دلنشین است. گاس ون سانت این لحظه را برای همه تصویر کرد. لحظه پیدا شدن یک جواهر، فیلم ویل هانتینگ نابغه که در سال ۱۹۹۷ ساخته شد.



معرفی

ضمیمه نوجوان

شماره ۱۰۷ ■ ۲۳ تیر ۱۴۰۱

نوجوان
جامعه



مهیار
گل محمدی

۷

آگهی حصر وراثت

آقای رحیم حضرتی به شماره شناسنامه ۱۶۱۷ به استناد شهادتنامه و گواهی فوت و رونوشت شناسنامه ورثه، درخواستی به شماره ۱۰۰۳۹۸ تقدیم این شورا نموده چنین اشعار داشته است که شادروان **راضیه بلالی** به شماره شناسنامه ۲۲ در تاریخ یکشنبه ۱۱ اسفند ۱۴۰۰ درگذشته و ورثه وی در هنگام درگذشت عبارتند از: ۱. سلیمان حضرتی فرزند حسن شماره شناسنامه: ۳ نسبت با متوفی: زوج ۲. زهرا حضرتی فرزند سلیمان شماره شناسنامه: ۱۸۱۴ نسبت با متوفی: فرزند ۳. مریم حضرتی فرزند: سلیمان شماره شناسنامه: ۷۵۸۳۲ نسبت با متوفی: فرزند ۴. رقیه حضرتی فرزند سلیمان شماره شناسنامه ۱۰۳۲ نسبت با متوفی: فرزند ۵. آمنه حضرتی فرزند سلیمان شماره شناسنامه ۹۸۷ نسبت با متوفی: فرزند ۶. رحیم حضرتی فرزند سلیمان شماره شناسنامه ۱۶۱۷ نسبت با متوفی: فرزند ۷. مهدی حضرتی فرزند سلیمان شماره شناسنامه ۳۳۶۳ نسبت با متوفی: فرزند ۸. محمد باقر حضرتی فرزند سلیمان شماره شناسنامه ۳۲۴ نسبت با متوفی: فرزند ۹. سلمان حضرتی فرزند سلیمان شماره شناسنامه ۱۰۰۳ نسبت با متوفی: فرزند پس از تشریفات قانونی و انتشار یک نوبت آگهی در روزنامه و عدم وصول هرگونه لایحه با اعتراض یا ارائه وصیتنامه سری یا رسمی حسب گواهی متصدی مربوطه سرانجام در تاریخ ۱۴۰۱/۴/۹ در وقت فوق العاده شعبه ۱۶ حصر وراثت شورای حل اختلاف رشت به تصدی امضا کننده زیر تشکیل و پس از ملاحظه پرونده کار گواهی می نماید که ورثه درگذشته منحصر به اشخاص یادشده در بالا بوده و وارث دیگری ندارد و دارایی آن روانشاد پس از پرداخت و انجام حقوق و دیونی که بر ترکه تعلق می گیرد به صورت زیر تقسیم می گردد.

۱. سلیمان حضرتی (زوج) ۱/۴ (یک چهارم) از کل ماترک ۲. زهرا حضرتی (فرزند) ۱/۱۶ (یک شانزدهم) از کل ماترک ۳. مریم حضرتی (فرزند) ۱/۱۶ (یک شانزدهم) از کل ماترک ۴. رقیه حضرتی (فرزند) ۱/۱۶ (یک شانزدهم) از کل ماترک ۵. آمنه حضرتی (فرزند) ۱/۱۶ (یک شانزدهم) از کل ماترک ۶. رحیم حضرتی (فرزند) ۱/۸ (یک هشتم) از کل ماترک ۷. مهدی حضرتی (فرزند) ۱/۸ (یک هشتم) از کل ماترک ۸. محمد باقر حضرتی (فرزند) ۱/۸ (یک هشتم) از کل ماترک ۹. سلمان حضرتی (فرزند) ۱/۸ (یک هشتم) از کل ماترک

قاضی شورای حل اختلاف شعبه ۱۶ حصر وراثت رشت - پروین انصاری

برگ سبز خودرو سواری پراید جی تی ایکس مدل ۱۳۸۳ رنگ سفید شیری به شماره پلاک ایران ۲۲-۲۷۵۱-۴۷ شماره شاسی S1412283323215 و شماره موتور 00936944 به نام محمد رضا احمدی زادی با کد ملی ۰۰۴۸۶۶۰۸۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز موتورسیکلت ساوین مدل ۱۳۸۶ سفید به شماره پلاک ۶۹۴۸۹ ایران ۵۶۷ شماره شماره تنه 8642203 و شماره موتور 71227190 به نام شاهین رباطی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کلیه مدارک سند کمپانی برگ سبز و کارت خودرو وانت پیکان ۱۶۰۰ آی مدل ۱۳۹۱ به رنگ سفید صدفی روغنی شماره انتظامی ایران ۳۲ ۸۷۷ ی ۶۲ شماره موتور 11491002986 شماره شاسی NAAA46AA1CG331098 به نام علی اکبر انصاری پور مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو پژو ۲۰۶، مدل ۱۴۰۱ رنگ سفید، شماره موتور 182A0167960 شماره شاسی NAAP03EE3NJ283377 و شماره پلاک ۷۲۵ م ۹۵ ایران ۴۰ به نام سید رضا نداف مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

کارت دانشجویی به نام حمیدرضا پودینه فرزند علی به شماره دانشجویی ۹۹۲۰۳۴۷۰۸ رشته مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه زابل در تاریخ ۱۴۰۱/۰۳/۰۵ مفقود گردیده، از درجه اعتبار ساقط می باشد. از بابت تقاضای می گردد کارت را در صندوق پستی بیاورد.

خبرنامه

زودتر با خبر شوید ...
MozayedeMonaghese.com

۰۲۱-۴۹۱۰۵۰۱۰